



سقوط

مدرسه کجی



نوشته: لوییس سکر

ترجمه: فرمهر منجزی



کتاب های زعفرانی



سقوط مدرسه‌ی کجکی

مدرسه‌ی کجکی / ۲

نویسنده: لویس سکر

مترجم: فرمهر منجزی

اجرا و صفحه‌آرایی: آتلیه زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۸۷-۶۳-۸

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

حقوق چاپ و نشر، منحصرأ برای انتشارات زعفران محفوظ است.

ایران، تهران: صندوق پستی: ۱۳۹۵-۱۹۳۹۵

نمایر: ۲۲۷۱۹۸۵۲ - ۲۱ - ۵۱

۲۲۷۵۳۴۰۴ - ۲۱ - ۵۱

www.zafaranpub.com

info@zafaranpub.com

سر نویس: لویس، ۱۹۵۴ - م. Louis, Sachar

عنوان و هم‌پدید آور: سقوط مدرسه‌ی کجکی /

[نویسنده] لویس سکر: [تصویرگر] آدام مکولی: [مترجم] فرمهر منجزی.

مشخصات نشر: تهران: کتاب‌های زعفران: محد کودک انتشارات زعفران، ۱۳۹۳

مشخصات نشر: تهران: ۲۰۰۰: مصور.

فروست: مدرسه‌ی کجکی / ۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۸۷-۶۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی: Way down school is falling down, 2005.

یادداشت: گروه سنی: ج،

موضوع: داستان‌های طنزآمیز آمریکایی / مدرسه‌ی کجکی / داستان

شناسه افزوده: مکولی، آدام. McQuiley, Adam

شناسه افزوده: منجزی، فرمهر. ۱۳۳۹ - مترجم

رده‌بندی دیویی: ۵۴/۸۱۳/۱۳۹۳ اس ۱۸۸

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۴۵۴۶۰۱

۸۰۰۰ تومان

فهرست



۱. بسته‌ای برای خانم جیولز ۷
۲. مارک میلر ۱۳
۳. برادر کوچولوی بیبی ۱۹
۴. تکلیف شعب ۲۵
۵. یک داستان دیگر درباره‌ی جوراب‌ها ۳۲
۶. ماهی بافته ۳۹
۷. آن‌ها ۵۴
۸. بهترین مسه‌ها ۵۴
۹. خانم ماش ۷۰
۱۰. موسیقی ۷۴
۱۱. کتی و دی جی ۷۷
۱۲. مدادها ۷۸
۱۳. یک جعبه‌ی خنده، یک شیر آب چک ۸۱
۱۴. یک آژیر خطر مه‌گرفتگی ۸۵
۱۵. تصمیم بزرگ کالوین ۹۱

۱۵. او برگشته ۹۷

۱۶. عشق و موش صحرایی مرده ۱-۴

۱۷. چا ۱۱۱

۱۸. عوض بدل کردن ۱۱۵

۱۹. یک مورد بد از حماقت ۱۲۲

۱۹. یک معلم فوق العاده ۱۲۹

۱۹. تا ابد هرگز ۱۳۵

۲۰. ۲۱. ۲۲. اریک، اریک و اریک ۱۴۲

۲۳. بدان‌ها ۱۵۰

۲۴. داستان دیدنی در باره سیب زمینی‌ها ۱۵۷

۲۵. داستانی که در باره یورهاها نبود ۱۷۱

۲۶. خانم جیولر بدش ۱۷۷

۲۷. گمشده و پیدا شده ۱۷۴

۲۸. والووش ۱۸۱

۲۹. گوش گمشده ۱۸۸

۳۰. سقوط مدرسه‌ی کجکی ۱۹۴



۱. بهسازی برای خانم جیولز

لوییس، ناظم حیاط، اخیراً مرده بود. حیاط مدرسه شلوغ و به هم ریخته بود. همه جا پر از مداد و تکه پاره‌های کاغذ بود. این همه آشغال از کجا آمده بود؟ نمی‌دانست، سر در گم و حیران مانده بود: «چرا به هر حال من که این‌ها را جمع نمی‌کنم!»

وظیفه‌ی او نبود زباله‌ها را جمع کند. قرار بود فقط سنگ‌های تفریح و ناهار به بچه‌ها توپ بدهد و مراقب باشد بچه‌ها دیگر را نکشند.

آهی کشید و بعد شروع به تمیز کردن زمین بازی کرد. تمام